

## برای حفاظت از سیاره، حقوق سرزمینی جوامع محلی بر آب و زمین را به رسمیت بشناسید

نویسندگان: استفانی کین Stephanie Keen و جسیکا ترول Jessica Troell

مترجم: حمیدرضا زرنگار

منبع: نشریه اینترنتی دویکس DEVEX سوم فوریه ۲۰۲۱.

### مقدمه

موضوع به رسمیت شناختن نقش و جایگاه جوامع بومی و محلی در ارتباط با منابع طبیعی تجدید شونده در قلمروهای زیستی خود، مبحث پرچالشی است که در دهه های اخیر در بسیاری کشورها رفته رفته از شکل یک بحث کلی، به صورت مطالبه ای جدی درآمده است. این موضوع در قالب حقوق بهره برداری و مدیریت جوامع محلی در زمین، منابع زیستی و آب مطرح می گردد. موضوعی که در این مقاله مورد توجه نویسندگان قرار گرفته است .

استفانی کین وکیل بین المللی توسعه و حقوق بشر و مشاور ارشد حقوق و سیاست در "ابتکار حقوق و منابع" است .

جسیکا ترول وکیل بین المللی توسعه و محیط زیست و مدیر برنامه بین المللی آب در انستیتوی حقوق محیط زیست است.

با وجود آن که طی سالیان سطح آلودگی افزایش یافت؛ تغییرات آب و هوایی سرعت گرفت و فشار جمعیت بر منابع آب شیرین جهان انباشته شد؛ الزامی به تأمین قانونی حبابه در منابع آب شیرین برای مردم بومی و جوامع محلی که بیش از نیمی از سرزمین های جهان را از آن خود می دانند و اداره می کنند احساس نشده است؛ از جمله در مورد حوضه های حیاتی که اکوسیستم های آبی و خاکی سالم را حفظ می کنند.

اکنون اهمیت تأمین حقوق جمعی زمین و حق اداره جنگل ها برای جوامع بومی و محلی در بین بخش های جنگلداری، زمین و توسعه مورد پذیرش گسترده قرار گرفته است. با این وجود، علیرغم پیوندهای زیست محیطی مشخص میان زمین و منابع آب شیرین، این پیشرفت هنوز شامل حبابه در منابع آب شیرین برای جوامع محلی نمی شود .

با توجه به پیش بینی تنش آبی برای دو سوم جمعیت جهان تا سال ۲۰۲۵، به رسمیت شناختن و تأمین حق مدیریت آب در جوامع محلی که برای تأمین معیشت و نظارت بر منابع آب شیرین یک نیاز است؛ باید بدل به یک اولویت فوری شود.

در سراسر جهان، بالغ بر ۵/۲ میلیارد نفر اهالی بومی و محلی از دانش سنتی و اکتسابی برای ایجاد وابستگی های زیست محیطی ظریف بین اکوسیستم های زمینی و آب شیرین در سرزمین های خود بهره می برند. حاکمیت جوامع بومی و محلی بر منابع طبیعی در روابط ویژه آن ها با سرزمین هایشان تبلور می یابد و ظرفیت آن ها در مدیریت و حفظ موثرتر و کارآتر این منابع در مقایسه با دولت ها مستند و مستدل گردیده است. این مزیت آن ها را بدل به شرکایی حیاتی در مبارزه با تغییرات اقلیمی، محافظت از تنوع

زیستی و حفاظت از حقوق کلی مردم در محیطی پاک، ایمن و سالم می سازد. با این حال ظرفیت فوق العاده قلمروهای زیستی جوامع محلی برای ارائه خدمات ضروری اکوسیستم به تأمین حقوق بهره برداری، تصمیم گیری و محافظت از اراضی و آب های سرزمینی بستگی دارد. گشودن این پتانسیل مستلزم دور شدن از رویکردهای سنتی و بخشی حکمرانی در زمینه منابع طبیعی است؛ همان رویکردهایی که نمی توانند به پیوندهای زیست محیطی و حقوقی بین قلمروهای جوامع محلی و منابع آب شیرین به اندازه کافی توجه نمایند.

زمانی که "کمک های ایالات متحده" (USAID) از راهبرد بومی خود رونمایی می کند، دستاوردهای بسیاری برای یادگیری از تجربه "اداره امور خارجی و تجارت" کشور استرالیا عاید می سازد. کارشناسان توسعه بومی استرالیا از سیاست جدید آن موسسه در حمایت از حقوق بومیان استقبال می کنند؛ اما هشدار می دهند که مسیر پیش روی ممکن است کند باشد. ایجاد ظرفیت، اولین قدم مهم برای یک برنامه کمک فراگیر است .

مطالعه جهانی اخیر توسط "ابتکار حقوق و منابع" و "موسسه حقوق محیط زیست" نشان می دهد نزدیک به دو سوم چارچوب های قانونی مرتبط با شناسایی حقوق منابع آب شیرین در جوامع محلی، این حقوق را وابسته به شناسایی حقوق جامعه محلی بر اراضی می دانند. این رابطه حقوقی "آب و زمین" در کشورهای کامبوج، هند، لیبیا و مکزیک تنها مبنای به رسمیت شناختن حقایق جوامع محلی در تحت قوانین ملی است. رابطه قانونی آب و زمین چالش ها و فرصت هایی را به همراه دارد. چارچوب های قانونی که با این پیوند مشخص می شوند در مقایسه با مواردی که عمدتاً به قوانین آب متکی اند در مورد محافظت از حقوق بهره برداری جوامع محلی از آب شیرین تا حدودی قوی تر عمل می نمایند. این موضوع بیانگر آن است که قوانین جدید زمین و جنگل برای محافظت و تحقق حقوق آب در جوامع ضروری اند و قوانین فعلی آب به طور معمول نیازها و حقوق منحصر به فرد مردم بومی و جوامع محلی را نادیده می گیرند. همان تحلیل نشان داد که تنها یک سوم چارچوب های قانونی، حقوق زنان بومی و محلی را در مورد آب شیرین به رسمیت می شناسند. اگرچه این حمایت های قانونی نیز ناچیزند؛ اما در وهله اول تابع چارچوب هایی هستند که به پیوند میان آب و زمین توجه دارند .

این یافته ها در سایر تجزیه و تحلیل های جهانی نشان دهنده به رسمیت شناختن اندک حقوق زنان بر اراضی است و بر یک ضرورت اساسی در دولت ها تاکید می نماید که بر پایه یک حساسیت جنسیتی، حقوق منابع طبیعی اجتماعی محور را در قوانین آب، جنگل و زمین در اولویت قرار دهند. این مطالعه با قبول پیوندهای واضح بین حق مدیریت جوامع محلی بر زمین، جنگل و آب شیرین، ناهماهنگی قابل توجهی را در قوانین بخشی آشکار می سازد. این ناهماهنگی جوامع محلی و زنان را در معرض بی عدالتی قرار می دهد و مدیریت پایدار آنان بر منابع آب شیرین را که همه به آن ها وابسته اند به مخاطره می اندازد. به عنوان نمونه درگیری مداوم بر سر مجتمع جنگلی "ماو" (Mau) در کشور کنیا هزینه های انسانی و زیست محیطی نادیده گرفتن پیوندهای بین حق مدیریت زمین، جنگل و آب شیرین جوامع محلی را نشان می دهد. مجتمع جنگلی "ماو" خانه اجدادی مردم بومی "اوگییک" Ogiek، مکان بزرگ ترین حوضه زهکش آبی کنیا و مهم ترین مخزن آبی این کشور و جنگل های کوهستانی است که رودخانه های اصلی کنیا از آنجا سرچشمه می گیرند. مقامات دولت کنیا بارها و با خشونت قوم "اوگییک" را از جنگل "ماو" بیرون رانده و جابجایی این قوم را به عنوان ضرورتی برای محافظت از تأمین آب کنیا توجیه کرده اند. در سال ۲۰۱۷ قوم "اوگییک" با اقامه دعوی در "دادگاه آفریقایی حقوق بشر و مردم" پیروزی برجسته ای در برابر دولت کنیا کسب نمود. دادگاه با توجه به ادعاهای معتبر مالکیت جنگل اجدادی اعضای قوم "اوگییک" توانایی آنان را به عنوان افراد بومی برای حفظ موثر منابع خود و این واقعیت که اقدامات دولت غیرقانونی بوده است به رسمیت شناخت. تخریب جنگل "ماو" عمدتاً ناشی از قطع چوب تجاری توسط افراد غیر بومی بود که تحت نظارت دولت انجام می شد. اگرچه دولت در سال ۲۰۱۸ گروه ویژه ای را مأمور هدایت

عملیات اجرایی مصوبات دادگاه نمود؛ اما اجرای آن هنوز محقق نشده است و توصیه های گروه ویژه نیز منتشر نگردیده است. در تاسف بار ترین وضعیت دولت همچنان به جابجایی مردمان "اوگییک"، تخریب خانه های آنان، از بین بردن محصولاتشان و پایبندی به این تصور غلط که حضور انسان در ضدیت با حفاظت موثر از منابع طبیعی است ادامه می دهد.

این روش می تواند تخریب جنگل "ماو" را تداوم بخشد و در همان حال قوم "اوگییک" را به گرسنگی و آوارگی در خلال همه گیری جهانی کرونا محکوم کند.

وقوع درگیری های بسیار که قلمروهای بومی را در سراسر جهان آشفته نموده موید این نکته است که شناخت و احترام به حقوق جوامع محلی در زمینه منابع طبیعی و آب از اولویت های مهم جوامع و سیاره زمین است .

برای از بین بردن شکاف ناپایدار بین ادعاهای گسترده ارضی جوامع محلی و مساحت زمین هایی که در قوانین به عنوان محدوده این جوامع شناخته شده است؛ تنها ده درصد از دولت ها باید :

۱- رسمیت بخشیدن به تمامی حقوق ضروری جوامع محلی برای بهره برداری موثر و اداره آب ها و اراضی خود را تسریع نمایند؛ به حقوق ارضی جوامع برای اجرای قوانین مربوط به آب در برابر اشخاص ثالث اولویت دهند؛ از تاثیر منفی اشخاص ثالث بر آب های سرزمینی ممانعت نمایند و از حقوق دادرسی مناسب برای محافظت از آب در برابر تهدیدات داخلی و فراسرزمینی بهره گیری کنند .

۲- با تقویت حمایت های قانونی از حقوق ویژه زنان جامعه در بهره برداری و اداره منابع آب شیرین و منابع زمینی، از مالکیت منابع جامعه محور حمایت کنند .

۳- خلأها و ناهماهنگی های قانونی در قوانین بخشی که مانع تحقق این حقوق می شود را برطرف نمایند.

۴- به اعضای جوامع محلی، از جمله زنان، توانایی درک و تحقق مجموعه حقوق آب مبتنی بر جامعه که طبق قوانین رسمی شناخته شده است را بدهند .

۵- رویکردهای حقوق محور را در کلیه تصمیمات مربوط به تصدی منابع طبیعی و حاکمیت ادغام کنند .

۶- دولت های پیشگام در اصلاحات ملی و مذاکره در مورد چارچوب تنوع زیستی سازمان ملل متحد پس از سال ۲۰۲۰ و سایر تعهدات بلندپروازانه زیست محیطی باید درک کنند که بدون اراده سیاسی برای همکاری گسترده در بخش های آب شیرین، جنگل و زمین، آن ها برای تأمین خواسته های اساسی بومی و محلی توانمند نیستند.

در نهایت، این جوامع محلی اند که در تلاش موفقیت آمیز برای حل سخت ترین چالش های حفاظت و اقلیم در جهان نقش اصلی ایفا می کنند.